



امام حسین (علیه السلام) هنگامی که تصمیم گرفت (از مکه) رهسپار عراق شود، برخاست و خطبه‌های به این مضمون ایراد فرمود

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ، خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وَ لِدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا أَوْلَيْتَنِي إِلَى أَسْلَافِي اِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ، وَ خَيْرِي مَصْرَعَ أَنَا لِأَقِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عَسَلَانِ الْفُلُوتِ بَيْنَ النَّوَابِيسِ وَ كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشاً جَوْفَاً وَ أَجْرِبَهُ سَعْبًا، لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبِرُ عَلَى بِلَائِهِ وَ يُؤَقِّينَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تُشَدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِحْمَتِهِ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، تَقَرَّرَ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يُنَجِّزُ بِهِمْ وَعْدَهُ.

مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيُرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۴، ص: ۳۶۷

ستایش مر خدای راست، و مشیت از آن او، و قوت و نیرویی جز به خدا نباشد (قوت هم ازوست) و درود خدا به رسول مکرم او (و آلش) و سلام خدا بر او باد، آرایش مرگ بر فرزند آدم چون آرایش گردنبنند بر گردن دوشیزگان است، گرایش و اشتیاقم به زیارت اسلافم (جد و پدر و مادر و برادرم) چون اشتیاق یعقوب به یوسف است، و برایم قتلگاهی گزیده شد که من بدان جایم باید رفت، گوئیا می‌نگرم که گرگهای بیابان بند بند مفاصلم را از هم جدا کنند در میان نوایس و کربلاء، چه شکمها از من پر، و چه انبناها که از من آکنده گردد، گریزی از آنچه بر قلم تقدیر رفته نیست، ما- اهل البیت- خشنودی خدا را خرسندی خود دانسته، بر بلایش صابریم، و او اجر صابران را به ما می‌دهد، هیچ گوشت پیامبر (پاره تن) او از وی جدا نگردد مگر آن که در حضیره القدس نزدش گرد آید، چشمش بدانها روشن گردیده و بدانها وعده‌اش انجام گردد،

هر کس که در راه ما خون نثار و بذل می‌کند، و لقای خدا را توطین نفس خویش می‌نماید، پس آماده کوچیدن با ما باشد، چه ما ان شاء الله بامداد فردا حرکت می‌کنیم.

• مروری بر جلسات گذشته محرم و بررسی جنبه های عملی و کاربردی

○ انسان و عوامل هدایت الهی

• تقسیم بندی سه گانه افراد در برابر عوامل هدایت الهی

○ ایمان و کفر و نفاق

• بررسی دلایل مخالفت با حقیقت

• مروری بر نقش شاکله در نوع عمل انسان

○ اشاره به معنای شاکله و رابطه آن با اختیار انسان

▪ شاکله و نقش آن در ایمان مداری انسان

▪ شاکله و حالت نفسانی

• تقسیم بندی اخلاق در مهلکات و منجیات نفس

○ هوای نفس و مهلکات نفس

• تبیین عوامل هدایت و تحلیل رفتار مردم در کلام قرآن (با توجه آیات ۱۳ تا ۱۵ سوره مبارکه یاسین)

○ وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

▪ و برای آنان از مردم آن شهر آنگاه که پیامبران به آنجا آمدند مثلی بزن.



○ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ (۱۴)

▪ آن هنگام که دو تن را نزد آنها فرستادیم و آنان را دروغگو شمردند و ما با سومی، (آن دو را) پشتیبانی کردیم، آنگاه گفتند که ما نزد شما فرستاده شده‌ایم.

○ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵)

▪ گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید و (خداوند) بخشنده، چیزی فرو نفرستاده است و شما جز دروغ نمی‌گویید.

○ کلمه «عززنا» از تعزیز است که: مصدر باب تفعیل از ماده عزت است، و «عزت» به معنای نیرو و شوکت و آسیب‌ناپذیری است.

▪ جمله «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ» بیان تفصیلی جمله «إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ» است. و معنای آیه این است که: برای آنها مثل بزن اصحاب قریه را که در زمانی می‌زیستند که ما دو تا از رسولان خود را به سویشان فرستاده بودیم و مردم آن دو را تکذیب کرده بودند و ما آن دو را به رسول سوم تقویت کردیم، و این سه رسول گفتند: ای مردم! ما از جانب خدا به سوی شما فرستاده شده‌ایم

○ انکار ارسال رسولان الهی

▪ مردم چنین می‌پنداشتند که بشر نمی‌تواند پیغمبر شود. و وحی آسمانی را بگیرد، و استدلال می‌کردند به خودشان که پیغمبر نیستند، و چنین چیزی را در خودشان سراغ ندارند، و آن وقت حکم خود را به انبیا هم سرایت داده، می‌گفتند: پس آنها هم پیغمبر نیستند، چون حکم امثال، یکی است.

▪ حسادت عامل انکار رسولان الهی

● تحلیل حسد و اثرات آن در کلام روایات اهل البیت علیهم السلام

● ایمان و حسد در یکجا جمع نمی‌شوند

○ أَبُو الْقَاسِمِ الْكُوفِيُّ فِي كِتَابِ الْأَخْلَاقِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَا يَجْتَمِعُ الْحَسَدُ وَالْإِيمَانُ فِي قَلْبِ امْرِئٍ:

○ وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: الْحَسَدُ يَمِثُ الْإِيمَانَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يَمِثُ الْمَاءُ التَّلْجَ

▪ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص: ۱۸

● حسادت عامل هلاکت در کلام امام مجتبی علیه السلام

▪ وَقَالَ ع هَلَاكَ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ - الْكِبْرِ وَالْحِرْصِ وَالْحَسَدِ - فَالْكِبْرُ هَلَاكَ الدِّينِ وَبِهِ لَعْنُ إِبْلِيسَ - وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ - وَبِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ - وَالْحَسَدُ رَأْدُ السُّوءِ - وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ

● فرمود هلاک مردم در سه چیز است کبر و حرص و حسد.

○ کبر موجب نابودی دین است و بواسطه کبر شیطان ملعون شد.

○ حرص دشمن جان است و بواسطه حرص آدم از بهشت خارج گردید.

○ حسد رهنمای بدیها است بواسطه رشک بود که قابیل هابیل را کشت.

▪ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۵، ص: ۱۱۲

● حسد عامل هلاکت و از گناهان نابخشودنی

○ الْخِصَالُ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ص إِلَى عَلِيٍّ ع يَا عَلِيُّ أَنْهَاكَ عَنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ عِظَامِ الْحَسَدِ وَالْحِرْصِ وَالْكِبْرِ



■ ای علی تو را از سه صفت نهی می کنم: حسد، حرص، تکبر

• بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۰، ص: ۲۵۲

○ قَالَ عَ هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ - الْكِبْرُ وَ الْحِرْصُ وَ الْحَسَدُ - فَالْكِبْرُ هَلَاكُ الدِّينِ وَ بِهِ لَعْنٌ لِإِبْلِيسَ - وَ الْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ - وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ - وَ الْحَسَدُ رَأْيُ السُّوءِ - وَ مِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ

■ و فرمود هلاک مردم در سه چیز است کبر و حرص و حسد. کبر موجب نابودی دین است و بواسطه کبر شیطان ملعون شد. حرص دشمن جان است و بواسطه حرص آدم از بهشت خارج گردید. حسد رهنمای بدیها است بواسطه رشک بود که قابیل هابیل را کشت.

• بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۵، ص: ۱۱۱

○ رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در این بخش از سفارش‌های خود به علی علیه السلام به این نکته تاریخی اشاره کرده که در آغاز این عالم سه گناه بزرگ صورت گرفت:

■ گناه ابلیس، گناه فرزند آدم (قابیل)، ترک اولای حضرت آدم علیه السلام.

■ منشأ هر یک از این سه گناه، یکی از سه چیز بالا بوده است:

- گناه ابلیس از تکبر سرچشمه گرفت که به طرد همیشگی از درگاه الهی و گرفتاری به لعن ابدی خداوند منتهی شد.
- سرچشمه ترک اولای آدم علیه السلام حرص بود، زیرا او به میوه‌های بهشتی بسنده نکرد و فریب خورد و حرص او را واداشت به سراغ درخت نهی شده برود که نتیجه کارش اخراج از بهشت بود.
- قابیل بر اثر حسادت، برادرش هابیل را کشت زیرا قربانی‌اش در درگاه خداوند قبول نشد اما خوشه‌های هابیل در درگاه الهی پذیرفته شد. اکنون گناه تمام قاتلان دنیا را به گردن قابیل می‌گذارند، چون او بود که این روش ناپسند را برای اول بار بنا نهاد.

• حسادت ریشه کفر با توجه به کلام امام صادق علیه السلام

○ إِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسَدَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِنَّ الْكُفْرَ أَصْلُهُ الْحَسَدُ

■ از حسد ورزی به یکدیگر بپرهیزید، زیرا ریشه کفر، حسد است.

• کافی(ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۸ - تحف العقول ص ۳۱۵

○ اصولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْحِرْصُ وَ الْإِسْتِكْبَارُ وَ الْحَسَدُ؛

■ ریشه های کفر سه چیز است: حرص و بزرگ منشی نمودن و حسد ورزیدن.

• کافی(ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱- امالی(صدوق) ص ۴۱۹، ح ۷ - خصال ص ۹۰، ح ۲۸

• حسادت نشانه دشمنی با نعمت الهی با توجه به مناجات حضرت زکریا علیه السلام

○ الْحَدِيثُ الْقَدْسِيُّ الشَّرِيفُ خَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ زَكَرِيَّا وَقَالَ: «الْحَاسِدُ عَدُوٌّ لِنِعْمَتِي، مَتَسَخِّطٌ لِقَضَائِي، غَيْرُ رَاضٍ لِقِسْمَتِي الَّتِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي.»

■ حسود دشمن نعمت من است، او خشمگین در برابر قضا و تقدیر من و ناراضی از قسمتی است که در میان بندگانم کرده ام.

• المحجة البيضاء، جلد ۵، صفحه ۳۲۶.

• حسد و جایگاه آن در میان گناهان ششگانه



○ الخصال أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرْكِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ

- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر روز شش بار از شک و شرک و تعصب، و غضب، و ظلم و حسد به خداوند پناه می‌بردند
- الخصال ج ۱ ص ۱۶۰.

● تحلیل رفتار انسانها در برابر کلام الهی در بیان قرآن کریم

○ تبلیغات سوء اشراف قومی دیگر، بعد از قوم نوح (علیه السلام)، در میان مردم، علیه دعوت پیامبر خود

○ اشاره به نتیجه مقابله با کلام الهی با توجه به آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مبارکه مومنون

▪ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيقَاعِ الْآخِرَةِ وَاتَّرفَقْنَاهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ(۳۳)

- و سرکردگان از قوم او که کفر ورزیده و لقای جهان واپسین را دروغ شمرده بودند و ما در زندگانی این جهان به آنها رفاه بخشیده بودیم گفتند: این (پیامبر) جز بشری مانند شما نیست، از آنچه می‌خورد می‌خورد و از آنچه می‌آشامید می‌آشامد.

▪ وَ لَئِنِ اطَّعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ

- و اگر از آدمی مانند خویش فرمان برید بی‌گمان در آن صورت زیانکار خواهید بود.

○ نفس و نحوه شاکله آن با توجه به آیه ۳۰ سوره مبارکه مائده

▪ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

- نفس (آماره) او کشتن برادرش را بر وی آسان گردانید پس او را کشت و از زیانکاران شد.

● اشاره به معنای تطويع نفس و تفاوت آن با اطاعت

○ کلمه "طوع" به معنای رام بودن است، و ضد آن کلمه "بی میلی" است، کلمه "طاعت" نیز مثل طوع است و

لیکن بیشتر اوقات استعمال کلمه "اطاعت" در مواردی است که پای امر و دستوری از ما فوق در بین باشد و

خلاصه ما فوقی به تحت فرمان خود دستوری بدهد و خطی ترسیم کند، و شخص تحت فرمان آن فرمان را به

کار ببندد، و آن خط سیر را دنبال کند، و اینکه در قرآن کریم آمده: "فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ"، مثل این است که

فرموده باشد: "رفیق او (که همان نفس او می‌باشد) پیشنهادی به وی کرد و خود نفس او در برابر آن پیشنهاد

رام شد" و کلمه "طوعت" رساتر از کلمه "اطاعت" است.

○ کلمه "طوعت" از آنجا که از مصدر "تطويع" است دلالت بر تدریج دارد هم چنان که این ماده وقتی به باب "افعال

می‌رود یکبارگی را می‌رساند، پس اطاعت به معنای یکباره فرمان بردن است، هم چنان که در غالب

واژه‌ها و ماده‌های افعال دو باب افعال و تفعیل این دو دلالت را دارند، یعنی باب افعال یکبارگی و باب تفعیل

تدریج را می‌رساند، پس در آیه شریفه تطويع نفس، به این معنا است که نفس به تدریج به وسیله وسوسه‌های

پی در پی و تصمیم‌های متوالی به انجام عمل نزدیک می‌شود، تا در آخر منقاد آن فعل شده و بطور کامل

اطاعتش از آن فعل تمام شود، پس معنای جمله این است که "نفس او منقاد او شد، و به تدریج امر او را که

بذل حسینی و نجات انسانی
محرم و صفر ۱۴۳۹ هجری قمری
جلسه دوازدهم
۱۳۹۶/۰۷/۲۷



ریز موضوعات و خلاصه
سخنرانی
دکتر محمد اسدی گرمارودی
(با اندکی تصرف)

همان کشتن برادر بود اطاعت کرد" و بنا بر این کلمه "قَتْلُ أَحِيَةٍ" از باب به کار بردن مامور در جای امر است، هم چنان که خود ما نیز در گفتگوهای روز مره خود می‌گوئیم "فلانی چنین اطاعت کرد"، و منظورمان این است که "فلانی فلان دستور را به اینطور اطاعت کرد"

- تحلیل رفتار انسان در افراط و تفریط و اعتدال
 - افراط معادل با تندروی و تفریط معادل با کند روی در فارسی میباشد و اعتدال و میانه روی، همان گونه که از نامش پیداست، به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو طرف افراط و تفریط می باشد.
 - یکی از ویژگی های دین اسلام، میانه روی است. قرآن کریم، مسلمانان را امت وسط می نامد و می فرماید:
▪ **وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.** (بقره: ۱۴۳)
 - بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه باشد.
- انسان آگاه و بصیر به تمامی رفتار خود
 - تفسیر آیه شریفه **بل الانسان على نفسه بصيرة** و **لو القى معاذيره** (قیامت/۱۵-۱۴) چیست؟
 - در آغاز، لازم است به معنای واژگان «بصیرت» و «معاذیر» اشاره شود:
 - بصیرت، از «بصر» به معنای نور، دانش و آگاهی است و برای دیدن قلبی و ادراک باطنی نیز به کار می‌رود.
 - معاذیر، از واژه «عذر» به معنای برداشتن سرزنش است و جمع معذرت می‌باشد و نیز به معنای پیدا کردن راهی که انسان را از خطا و گناه تبرئه کند، به کار رفته است و برخی نیز گفته‌اند «معاذیر» جمع «معدار» به معنای پرده و پوشش است.
- اشاره به راههای سه گانه در مبارزه با نفس
 - معرفت و شناخت عامل زدودن حسادت
 - مطالعه و تحقیق عامل معرفت شناسی
 - دعا و استغاثه عامل برطرف کردن حسادت
 - عمل بر خلاف انگیزه حسادتی نفس
- جمع بندی بحث